

هیئت انصار الرقیه (س) ۳۰ سال است

خالصانه به سیدالشهدا (ع) و یارانش عرض ارادت دارد

۵۰۴

قرارشب‌های محرمی در خدریک



عکس: فیهیمه فرخی / شهرآرا

ساکنان مصلی ۱۵ از شلوغی بارگیری
و اشغال پیاده‌روها گلایه دارند

۳

**پیاده‌رو نگو
بگو انبار مغازه‌ها**

اولین جلسه آموزش خبرنگاری محلی
با حضور جمعی از نوجوانان در گلشهر برگزار شد
هر محله یک خبرنگار

۷

کسبه سحرخیز خیابان مصلی ۱۵
راه و رسم گذشتگان را در مغازه‌داری دنبال می‌کنند

سلام صبحگاهی به مشتری

۶



همسایه به همسایه، دیدار سی و یکم، کوچه شهید رحیمی ۲

زنجیره‌ای از مهر و دوستی

عطائی‌آباد آشنایی‌شان در همین مسجد چهارده معصوم^(ع) گشوده شده است. یکی آشنایی مراسم را به عهده می‌گیرد. یکی وسایل را می‌آورد. یکی هم پایه پای دیگران در مراسم دعا و روضه و دوره قرآن حضور دارد. همین فعالیت‌ها باعث شده است همسایه‌ها در کوچه شهید رحیمی ۲ یکدیگر را نه تنها به نام، بلکه به خلق و خو هم بشناسند. باینکه برخی از ساکنان جدید و به ویژه آپارتمان‌نشین‌ها کمتر با همسایه‌ها ارتباط دارند. حلقه همدلی میان اهالی قدیمی محله حسین آباد هنوز برقرار و پابرجاست.

● همراهی واقعی همسایه‌ها

حاجیه خانم ولی‌زاده نزدیک به ۲۵ سال است که در کوچه شهید رحیمی ۲ زندگی می‌کند. دلیل ماندگاری‌اش در این خانه فقط نزدیکی به مسجد چهارده معصوم^(ع) نیست، بلکه او همسایه‌ها را چون خانواده خود می‌داند. از نظر حاجیه خانم، همسایه خوب همیشه حواسش به آدم هست حتی بیش از خواهر و برادر. خودش نیز همین طور است؛ با همه گرم می‌گیرد و به قول اهالی خیلی زود بادل مردم رفیق می‌شود. او می‌گوید: با هم سلام و علیک داریم، احترام یکدیگر را نگه می‌داریم و در مراسم روضه کنار هم هستیم. دلمان به همین دوستی‌ها خوش است.

عصمت خانم ولی‌زاده درباره همسایه نابینایی می‌گوید که سال‌هاست با همسر جانبازش، دیوار به دیوار خانه آن‌ها زندگی می‌کند. هر وقت صدایی از آن خانه بلند می‌شود خانواده حاجیه خانم بی‌درنگ خودشان را می‌رسانند. این نوع همسایگی فقط هم جواری نیست؛ همراهی واقعی است.

● خانه‌ای برای مجالس مذهبی

عصمت عباسی در همین محله به دنیا آمده و شصت سال است که در همین کوچه با همسایه‌ها خو گرفته. خودش می‌گوید: همسایه‌های قدیمی خیلی با هم صمیمی هستند ولی با ساکنان جدید به ویژه آپارتمان‌نشین‌ها رابطه چندانی نداریم.

او و خانواده‌اش به هیئت بودن معروف‌اند. مراسم عزاداری روضه و دوره قرآن معمولاً در خانه عصمت خانم برگزار می‌شود و این رسم سال‌هاست ادامه دارد. همسایه‌ها می‌گویند او نه تنها خوش‌برخورد و مهربان است، بلکه هیچ وقت اهل غیبت هم نیست.

عصمت خانم حاجیه خانم ولی‌زاده را به عنوان یکی از بهترین همسایه‌هایش معرفی می‌کند: همسایه‌ای با محبت که آشنایی‌شان در همان مسجد چهارده معصوم^(ع) رقم خورده و حالا دوستی‌شان به سال‌ها رسیده است.

همسایه
به
همسایه

● دست‌پخت خانم سلیمانی در خدمت مسجد

مریم سلیمانی که از کودکی در همین کوچه زندگی کرده است نه فقط همسایه‌ها را به خوبی می‌شناسد بلکه خودش هم برای همه چهره‌ای آشناست. در مراسم‌ها به ویژه افطاری ماه رمضان آشپزی و آماده‌سازی به عهده اوست. می‌گوید: من در خدمت خانه خدا هستم؛ هرکاری باشد انجام می‌دهم. مریم خانم را در محله به عنوان نیروی خادم مسجد چهارده معصوم^(ع) می‌شناسند. هر وقت در مسجد کاری باشد از تعمیرات گرفته تا تهیه وسایل او را طلب می‌شود و حتی از همسایه‌ها کمک جمع می‌کند؛ انگیزه‌اش را هم روشن بیان می‌کند: می‌خواهم این کارها دستگیر آخرتم باشد. مریم خانم در محله احترام زیادی دارد و همین باعث می‌شود وقتی پیش قدم می‌شود بقیه هم برای کمک استقبال کنند؛ در یک جمله، او بانوی پیگیر مسجد و آشپز قهار محله است.



انبارهای غیرمجاز ضایعات زیر دره بین

با دستور مقام قضایی، دو انبار غیرمجاز جمع‌آوری و نگهداری ضایعات در خیابان شهید آوینی ۵۹ پلمپ شد. هفت تن ضایعات از این انبارها تخلیه و به سازمان مپ منتقل شد. طبق اطلاع‌رسانی شهرداری منطقه، فعالیت انبارهای ضایعات زیر دره بین نظارت این واحد قرار دارد.

شهر
خبر

طعمه‌گذاری به منظور پیشگیری از سالک

باتوجه به قرار گرفتن در فصل تابستان و لزوم به کارگیری اقداماتی در راستای پیشگیری از بروز بیماری سالک، ۴۸ نقطه و کانون خطر در منطقه ۵ شناسایی و با هدف از بین بردن جوندگان موزی، طعمه‌گذاری انجام شد. همچنین در ۴ هزار و ۲۰۰ مترمربع از زمین‌های اطراف مخازن زباله و زمین‌های بایر، آهک پاشی صورت گرفت.

حال و هوای عزاداری در «مشعل»

هیئت‌آرا...^(ع) و مسجد حجت^(ع) در محدوده خیابان مشعل محله حسین آباد، همانند دیگر هیئات و مساجد منطقه، ۵ در روزهای تاسوعا و عاشورا برنامه ویژه‌ای داشت. اعضای این هیئت در روزهای نهم و دهم محرم امسال ابتدا علم‌رادر کوچه‌های این بخش از محله پرخاندند و سپس همراه با دسته عزاداری به سمت حرم امام رضا^(ع) حرکت کردند.

عطائی‌آباد شهردار منطقه ۵ مشهد از افتتاح توقفگاه ناوگان باری شهید مفتاح واقع در بولوار مفتاح شرقی ۲۰ در سه شنبه اخیر خبر داد. حسن صالحی مفرد گفت: این سایت، بزرگ‌ترین پارکینگ خودروهای سنگین در مشهد است که در فضایی به وسعت ۴۲ هزار مترمربع در محله ثامن منطقه ۱۵ احداث شده و ظرفیت پذیرش ۲۵۰ دستگاه خودرو سنگین را دارد.

صالحی مفرد تصریح کرد: با بهره‌برداری از این توقفگاه، امکان پارک خودروهای سنگین و ارائه خدمات پشتیبانی به آنان در نقاط تعیین شده فراهم می‌شود و از پراکندگی ناوگان در شهر جلوگیری خواهد شد.

او ادامه داد: سامان دهی ناوگان حمل و نقل باری، کاهش توقف‌های غیرمجاز خودروهای سنگین در شهر و بهبود وضعیت ترافیکی از جمله اهداف کلان احداث این توقفگاه است.

به گفته شهردار منطقه ۵، فاز اولیه این توقفگاه شامل اراضی ۴،۲ هکتاری است و قرار است در فازهای دوم و سوم که شامل ۵ و ۱۳ هکتار می‌شود، بیش از ۱۱۰ سوله صنعتی و ۴۰۰ واحد مسکونی در ۸۰ قطعه احداث شود.



بزرگ‌ترین پایانه خودروهای سنگین مشهد افتتاح شد

سامان دهی

ناوگان

حمل و نقل باری



ساکنان مصلی ۱۵ از شلوغی
بارگیری و اشغال پیاده‌روها گلایه دارند

پیاده‌رونگو بگوانبار مغازه‌ها



نیکو عقیده خیابان مصلی ۱۵ یکی از خیابان‌های شلوغ منطقه ۶ مشهد است؛ راسته‌ای تجاری با مغازه‌هایی که هر کدام گوشه‌ای از بازار عمده‌فروشی را به خود اختصاص داده‌اند. اینجا هر روز پر است از صدای باربهرایی که در رفت و آمدند، مشتری‌هایی که دنبال خرید ارزان ترند و فروشندگانی که تلاش می‌کنند اجناس بیشتری در معرض دید عابران بگذارند. پیاده‌روها هم که باید مسیری امن و خلوت برای رفت و آمد مردم باشد، اغلب با انبوه قفسه‌ها، کارتن‌ها و اجناس تلنبار شده اشغال شده‌اند. همین‌ها باعث شده است عابران پیاده از لایه لای اجناس به سختی رد شوند و با موانع پیاده‌رو برخورد کنند.

مسیر باریک شده پیاده‌رو

ساعت ۱۰ صبح گذشته و خیابان مصلی ۱۵ در شلوغ‌ترین وضعیت خودش قرار دارد. فروشنده‌هایی وقفه مشغول جابه‌جایی اجناس و بارگیری کارتن‌ها هستند. روبه‌روی بیشتر مغازه‌ها، ردیفی از کارتن چیده شده که بخش زیادی از پیاده‌رو را گرفته است. مسیر عبور آن قدر باریک شده که بعضی جاها فقط یک نفر می‌تواند از بین کارتن‌ها رد شود. عبور از این مسیر، به ویژه وقتی کسی چرخ دستی یا کالسکه به همراه دارد، کار ساده‌ای نیست. مینا وحیدی، ساکن کوچه مصلی ۱۳، هر روز با این چالش تکراری روبه‌روست. او مادری است بایک کودک یک‌ساله که برای رفت و آمد از کالسکه استفاده می‌کند. هر هفته برای شرکت در کلاس‌های فرهنگ‌سرای غدیر به انتهای کوچه مصلی ۱۵ می‌رود. این مسیر گاهی آن قدر پر از مانع می‌شود که ترجیح می‌دهد راهش را از کوچه پس‌کوچه‌ها بکشد. می‌گوید: کم‌رودم و به همین دلیل همیشه کالسکه با خودم می‌برم. نمی‌توانم بچه را بغل بگیرم. ولی بعضی وقت‌ها واقعا نمی‌دانم چطور باید از بین آن همه کارتن و قفسه‌دشوم بعضی جاها اصلا فضایی نیست که کالسکه رد شود. نه می‌توانم بچه را بردارم، نه می‌توانم کالسکه را بلند کنم. خیابان هم که شلوغ و پرترافیک است و نمی‌توان از کنار ماشین‌ها عبور کرد.

مشهد می‌آیند، وضعیت بدتر می‌شود. سه چهارم پیاده‌رو اشغال است و جایی برای عبور نمی‌ماند. اما تجربه خودش هم از این مسیری در دسترس نبوده است. مسیر روزانه‌اش از همین خیابان می‌گذرد. چون خانه‌اش در یکی از کوچه‌های اطراف قرار دارد؛ یک بار پایش به کارتن‌های جلویی از مغازه‌ها گیر کرد و زمین خورد. آن قدر درد داشت که نمی‌توانست تکان بخورم. بعدا دکتر گفت می‌چاکشیده شده و مویه کرده است. یک هفته کامل در خانه ماندم و حتی سر کار نرفتم.

به متخلفان اخطار می‌دهیم

بارتیس اداره ناحیه یک شهرداری منطقه ۶ مشهد درباره روند رسیدگی به معضل سد معبر در خیابان مصلی ۱۵ گفت و گو کردیم. به گفته احسان مهران، مأموران شهرداری به صورت ماهیانه از این خیابان بازدید می‌کنند و در صورت مشاهده تخلف، به فروشندگان متخلف اخطار داده می‌شود. او تأکید می‌کند: اگر این تخلف به طور مکرر تکرار شود، برای فرد متخلف پرونده قضایی تشکیل خواهد شد. با این حال، او به محدودیت‌های شهرداری در برخورد کامل با این پدیده هم اشاره می‌کند: «به طور کلی بافت خیابان مصلی ۱۵ از حالت مسکونی خارج شده و تبدیل به بافت شدیداً تجاری شده است.

تقریباً همه مغازه‌های این راسته درگیر همین شرایط هستند و نمی‌توان به طور کامل این وضعیت را تغییر داد. تنها در مواردی که سد معبر به طور شدید و در حد مسدود کردن کامل پیاده‌رو باشد، اخطار جدی داده می‌شود.»

مسیر عبور آن قدر باریک شده که بعضی جاها فقط یک نفر می‌تواند از بین کارتن‌ها رد شود. عبور از این مسیر، به ویژه وقتی کسی چرخ دستی یا کالسکه به همراه دارد، کار ساده‌ای نیست

دردسر هر روزه

حمید رضاموسوی، از دیگر ساکنان این محدوده، دل‌پری از این وضعیت دارد. او از مشکلاتی می‌گوید که سد معبر برای برخی از همسایه‌ها ایجاد کرده است: «همسایه ما ویلچر نشین است و همیشه برای رفت و آمد در این پیاده‌رو مشکل دارد. به ویژه تابستان‌ها یا زمانی که زائران به

تکریم و معارفه شهردار منطقه ۶

آیین رسمی تکریم از خدمات حسین بنایی منش و معارفه شهردار جدید منطقه، امیر رمضان، با حضور مسعود ایازی، مدیرکل حوزه شهردار و امور شورای اسلامی شهر مشهد و جمعی از مدیران شهری، معاونان، منطقه و مسئولان نواحی برگزار شد. در این مراسم، از زحمات بنایی منش در دوران مسئولیت قدردانی شد.

جدول نوبت برای خیابان شهید بسکابادی

در راستای بهبود زیرساخت‌های شهری و ارتقای کیفیت معابر، عملیات تعویض جدول فرسوده در خیابان شهید بسکابادی ۱۲ و ۱۴ منطقه آغاز شد. این اقدام با هدف اصلاح مسیر آب‌های سطحی، افزایش ایمنی تردد و ارتقای منظر شهری در حال انجام است و پس از اتمام، تأثیر بسزایی در نظم بخشی به معابر خواهد داشت.

سرزندگی منطقه بابوته‌های گل فصلی

باتوجه به فرارسیدن فصل گرما و در راستای افزایش زیبایی بصری شهر گل‌کاری تابستانه در سطح منطقه ۶ انجام شد. در این عملیات بیش از ۱۱ هزار بوته گل فصلی در میادین و بولوارهای سطح منطقه از جمله بولوارهای حر، مصلی، شهید رستمی، چمن و هفده شهریور کاشته شد.

شهر خبر

آیین دیرینه حجله بستن در محله شهید معقول برگزار شد

۶۰ سال به یاد حضرت قاسم (ع)

در شب هشتم ماه محرم، به رسم هر ساله و به یاد جوان شهید دشت کربلا، آیین دیرینه و نمادین حجله بستن حضرت قاسم بن الحسن (ع) در محله شهید معقول اجرا شد.

در این مراسم که با نام «سینی حضرت قاسم (ع)» شناخته می‌شود، پارچه تور سبزرنگ و شمع، میوه، خنّا، نقل و شیرینی روی میز چیده می‌شود؛ چیدمان این اقلام همانند حجله دامادی است.

آیین سنتی و دیرینه حجله بستن برای جوان کربلا، بیش از چهل سال است که در این محله برگزار و در پایان مراسم، سینی‌های نذورات بین مردم عزادار توزیع می‌شود.



از نوحه های قدیمی تاشور جوان پسند

ریشه هیئت انصار الرقیه (س) خدربیک، به هیئت قدیمی ۷۲ تن می رسد. حدود سی سال قبل جوان های آن هیئت که حالا بزرگ ترهای هیئت انصار الرقیه (س) محسوب می شوند، تصمیم گرفتند هیئتی اصطلاحاً جوان پسند تر داشته باشند. این ها را جلال کوه سرخی روایت می کند. یکی از پایه های این هیئت و مداح اهل بیت (ع) که بین هیئتی های مشهد سرشناس است. او آخر دهه ۷۰ آقا جلال سبک های قدیم مثل نوحه آذر، دودم و سنگین می خوانده؛ اما شور را هم به مجالسشان اضافه می کنند و همین باعث می شود عزاداران بیشتری پای ثابت مراسم بشوند. او تعریف می کند که بامداحی شورانگیز و حضور جوان ها، مسجد کوچک امام حسین (ع) که محل هیئت ۷۲ تن بوده، گنجایش حضور عزاداران رانداشته و چند نفری از جوانان تصمیم می گیرند هیئت انصار الرقیه (س) خدربیک را راه اندازی کنند. او می گوید: ابتدا جانداشتیم و هر سال در ایام محرم و صفر، انبارهای متروکه و خالی محله را تمیز می کردیم و پذیرای عزاداران بودیم. چندین سال بعد مسجد چهارده معصوم (ع) حاشیه بولوار عبادت محله مهرآباد ساخته شد و محل دائمی فعالیت هیئت، همین جانشد.



داستان جلد

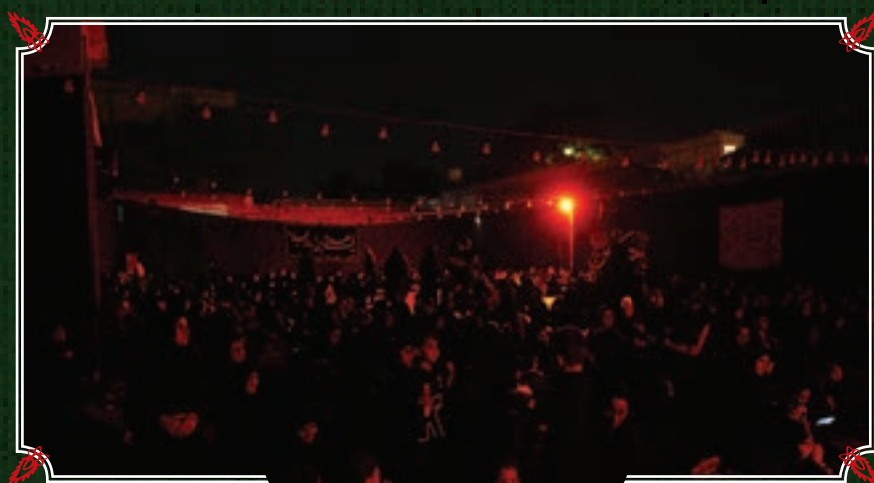
خدمت بی وقفه و خالصانه

حسین تنها، یکی از اصلی ترین افراد هیئت انصار الرقیه (س) است که از روز اول پای کار هیئت بوده است. کارهای فنی همیشه بر عهده اوست و دهه اول محرم زندگی اش وقف هیئت می شود. او می گوید: ما علاوه بر دهه اول، تمام مراسم مذهبی چه عزاداری و چه شادی را برگزار می کنیم. ما وظیفه داریم سنگر اعتقادی را در حاشیه شهر نگه داریم. صادق کوه سرخی، مسئول هیئت نیز از ابتدای مجلس عزاداری تا لحظه آخر در نیمه شب، دائم از این سوبه آن سومی دود و مشغول هماهنگی است. آقا صادق را در حالی پیدا می کنم که دارد نذر مردم را جمع می کند. او در ورودی قسمت خواهران کناری ایستاده و هر چند دقیقه بانوی عزاداری صدایش می زند. می رود، وجه نقد یا کارت بانکی را می گیرد و نذر عزاداران را در کارت خوان هیئت می کشد. او همین کار اهالی را نشانه همدلی و همبستگی محدوده خدربیک محله مهرآباد می داند و می گوید: نوجوان و جوان، زن و مرد و پیر غلامان، همه در این محدوده همدل هستیم. می بینید که مردم خودشان می خواهند هر طور شده در این مجلس سهمی داشته باشند. آقا صادق شرط رونق خوب یک محفل عزاداری و هیئت را به نوجوانان و جوانان می داند و می گوید: باید فرصت خدمت را برایشان فراهم کنیم. باید مسئولیت پذیری را به هیئتی های کم سن و سال آموزش داد.

هیئت انصار الرقیه (س) ۳۰ سال است خالصانه

قرار شب های محرم

سید محمد عطائی شب های ماه محرم یک ساعتی که از اذان مغرب می گذرد، اهالی محدوده خدربیک در محله مهرآباد از خردسال تا پابه سن گذاشته بالباس های مشکی همگی به یک سو می روند؛ به مسجد چهارده معصوم (ع) نبش خیابان



نوکری کردن با عشق!

که مهمان مجلس امام حسین (ع) فقیر است یا غنی، همه هر جوری انرژی می گذارند و خرج می کنند. من هم گوشه ای، کار نوکری مجلس آقا امام حسین (ع) را می کنم. او در این دهه قید کسب و کار را می زند و آن را به دیگری می سپارد. از صبح به محله مهرآباد و مسجد چهارده معصوم (ع) می آید و نیمه شب راهی خانه اش می شود. خودش می گوید: اینجا احساس غربت نمی کنم. اصلاً مجلس امام حسین (ع) غربت ندارد؛ اما بچه های این هیئت خیلی مهربان و دوست داشتنی هستند.

حسین سالاری و هادی قندهاری لایه لای گفت و گوها چند باری اسمشان تکرار می شود. این دو غلام امام حسین (ع) ساکن محله نیستند؛ اما به طریقی حالا پای ثابت مراسم هستند. دیگ می شویند، کف آشپزخانه را می کشند و تا لحظه آخر برای خدمت حاضرند. هادی آقا اصالتاً تهرانی است، مغازه ای هم در پنجره سنا باد دارد و ساکن محدوده خیابان احمدآباد است. در جواب این سؤال که چرا اینجا و در این هیئت خدمت می کند، می گوید: از کودکی دل بسته دستگاه امام حسین (ع) بوده ام. اینجا جمعی بی ریا دارد و برایشان فرقی نمی کند

نوجوانان، پای کار عزاداری

با آن هارفتار می شود. همین است که هیئتمان نوجوان و جوان کم ندارد. برای محمد امین شب های تاسوعای هیئت جور دیگری صفادارد و می گوید: در این شب حتی برای یک نفر هم جانداریم. تا این خدمت مهمان می آید. از حال و هوای عزاداری هم که دیگر نگویم. رضا مهرداد، جوان نوحه سرای هیئت نیز خلوص نیت اعضا را خیلی دوست دارد. او در سبک شور می خواند: از عزل در طلب چشم ترم گفت حسین (ع) / هر کجا بال زدم، بال و پر م گفت حسین (ع)...

هیئت انصار الرقیه (س)، هیئت کوچک تر نوجوانان را هم در دل خود دارد که چند سالی است تأسیس شده و در برگزاری مراسم مشارکت می کند. محمد امین یوسفی یکی از اعضای آن از چهار سالگی همراه پدرش به این هیئت می آمده و حالا یکی از نوجوانان فعال و پای کار است. او که در ورودی ایستاده و به مهمانان خوشامد می گوید، درباره رفتار خوب بزرگ ترهای هیئت با کودکان و نوجوانان برایمان حرف می زند: حتی به کوچک ترها، تو نمی گویند و با ادب و احترام شایسته یک بزرگسال

منبر، ستون خیمه هیئت

حرفشان این است: «منبری واجب و سینه زنی مستحب است. هیئتی که منبری نداشته باشد یک جای کارش می‌لنگد.»

حجت الاسلام سید محمد تقی پور منبری قدیمی این مسجد و هیئت است. او پیشنهاد می‌دهد که منبری‌های دیگر بیابند و قبل از ذکر مصیبت هر شب، نکاتی را در پیوند دین و زندگی ارائه کنند. می‌گوید: مسائل روز و تطابق انقلاب امام حسین (ع) و انقلاب اسلامی ما از واجبات منبرهای اینجاست. ذکر مصیبت بدون اشاره به این نکات فقط یادآوری حوادث تلخ گذشته است؛ ولی اثربخشی کاملی ندارد.

علیرضا ولی‌زاده، پیرغلام و آشپز موسسین این هیئت، ۲۷ سال است که به این محله آمده است. هر محرم می‌آید و غذای نذری را طبخ می‌کند. البته خودش می‌گوید که حالا زحمات به دوش جوان ترهاست ولی می‌آید و نظارتی دارد. او اعتقاد دارد که غذای مجلس امام حسین (ع) به برکت خود حضرت است و خیر و برکت و طعمش با دیگر غذاها قابل مقایسه نیست. او می‌گوید: آقا امام حسین (ع) خودش به همه بخش‌های مراسم لطف و نظر دارد.

آقا علیرضا البته به سبک قدیم، هر شب غذای نذری را در اصطلاح «کلمه» می‌دهد. چند سال پیش هم که در شهرآرام محله با او گفت و گو کردیم، در مورد این رسم توضیح داده بود. او در این باره می‌گوید: یعنی هر شب که با کمک اعضای هیئت و مردم حدود هزار و ۵۰۰ پرس غذایی پزیم، زمان طبخ می‌گوییم «خدایا دست از من/برکت از تو/عزت از قاطمه زهرا (س)» و دیگر می‌سپاریم به حضرت حق و غذا عالی می‌شود.

محمد علی عدالتی پور، پیرغلام امام حسین (ع) از بزرگان مرحوم شده هیئت مانند: حاج حسین و حاج علی مهرداد، حاج احمد روشن دل، حاج علی یوسفی پدر شهید حسین یوسفی یاد می‌کند و می‌گوید: خیلی از پیرغلامان قدیم این محله در میدان بار شاغل بودند. حدود ۴۵ سال است که در این هیئت و قبل تر در هیئت ۷۲ تن سینه زدیم و کنار هم بودیم. آدم‌های اینجا همیشه خالص و مخلص بوده‌اند. تو و من نداریم، احترام بزرگ تر هم همیشه سر جاست و دل خوری و اختلاف نیست. اگر هم بوده، همین که ریش سفیدی بگوید که روی هم را ببوسید، در همان لحظه روبروسی می‌کنند و تمام.



به سیدالشهدا (ع) و یارانش عرض ارادت دارد

رومی در خدر بیک

عبادت ۵۶، تادر مراسم هیئت انصار الرقیه (س)

شرکت کنند. این هیئت حدود سی سال قدمت دارد و از منبری‌ها و مداحان آن گرفته تا برخورد خوب فعالانش باعث شده است تا عزاداران طی این سال‌ها پایبند آن شوند.



عزت و احترام برای کوچک‌ترها

بگوید نکن و بنشین. یا مثلاً اگر دختری بیرون از اینجا زیاد اهل حجاب سفت و سخت نباشد، وقتی که به این مجلس می‌آید خودش حال و هوای دیگری می‌گیرد و حجابش را کامل می‌کند. تازه فردا شب دوستانش را هم می‌آورد.

خانم سالاریان احترام به عزاداران و مداحی و منبری با کیفیت را علت استقبال بانوان هم محلی از این مجلس می‌داند و می‌گوید: ما به خصوص در قسمت بانوان نوجوان و جوان زیاد داریم. اینجا می‌آیند و عزت و احترام می‌بینند. مجلس امام حسین (ع) برای بچه‌ها هم است. ما اجازه نمی‌دهیم کسی بچه‌ها را دعوا کند و

مجلس بانوان به رسم هر ساله در مدرسه دخترانه «شادروان سمانه بنی هاشم» واقع در کوچه هم جوار مسجد برگزار می‌شود. شهربانو سالاریان کبیر مسئول بخش بانوان هیئت انصار الرقیه (س) می‌گوید: جمعیت عزاداران زیاد است و فضای مسجد گنجایش ندارد برای همین حیاط مدرسه را فرش می‌کنیم.

حس غربت نمی‌کنیم

سوزنی حس غربت نداریم. بیشتر بانوان همسایه و هم محلی هستند و همدیگر را می‌شناسیم.

ساجده سالاریان چهار ساله مسئول پخش قند است. مهدیه و زینب بچه‌های شش و هفت ساله هم اینجا چوب پر دستشان گرفته‌اند و مهمانان را به داخل راهنمایی می‌کنند. به خاطر همین چوب پر و اینکه نقشی در مجلس دارند، چادر به سر می‌کنند و در همان لحظات ابتدایی مجلس خودشان را به اینجا می‌رسانند.

محمد کبیری، یکی از عزاداران حاضر در مجلس، همراه فرزندش علی به مسجد آمده است. او درباره این محفل می‌گوید: سخنرانی و مداحی و سینه زنی اینجا عالی است. هر شب پذیرایی دارند؛ اما اگر نداشته باشند، باز هم شلوغ می‌شود؛ چون محفلی پر شور و بی‌ریاست.

زکيه صالحی، مادر ملیحه و محبوبه از حاضران در مراسم می‌گوید: مداح و سخنرانی این مجلس خیلی خوب است و تأثیر خوبی روی فرزنداتم داشته و اخلاقشان خیلی بهتر شده است. در کل فضای دوست‌داشتنی و صمیمانه‌ای دارد که سر



سوژه این گزارش را سیدرضا حسینی، رئیس شورای اجتماعی محله مهرآباد، به شهرآرامحله معرفی کرد.

کسبه سحرخیز خیابان مصلی ۱۵، راه و رسم گذشتگان را در مغازه داری دنبال می کنند

سلام صبحگاهی به مشتری



راه تجربه

سرمایه ای بانام مشتری راضی

جواد صادقی، برادر کوچک تر آقارضا کمی دیرتر از او وارد مغازه می شود، اما معمولاً بیشتر می ماند و این جواد است که شب ها چراغ مغازه را خاموش می کند. می گوید: اینجا معمولاً ساعت ۸:۳۰ شب، کرکره بیشتر مغازه ها پایین می رود، اما ما تا ۹ و ۱۰ شب هم هستیم. او به نکات دیگری اشاره می کند که به قول خودش، جان کار است. چیزهایی که شاید کمتر دیده شود، اما به باور او، پایه اصلی رونق مغازه شان است. جواد می گوید: رعایت انصاف، حق مردم است. اگر کاسب به سود کم قانع باشد اما کالای خوب به مشتری بدهد، مشتری برمی گردد. مشتری راضی، خودش یک سرمایه است. دعایش و رضایتش هم. او باور دارد که شیوه درست کاسبی، چیزی فراتر از خرید و فروش است؛ راه و رسمی که کاسب های قدیمی داشتند؛ همان هایی که پای دخلشان ذکر می گفتند و برای روزی حلال تلاش می کردند. جواد ادامه می دهد: رعایت انصاف و اعتقاد به حلال بودن مال، چیزهایی بود که در مرام کاسب های قدیمی بود. ما هم باید راه همان ها را ادامه بدهیم تا لقمه ای که می بریم سر سفره، پاک و حلال باشد.



نظم صبحگاهی، رمز فروش بالاتر

مشتری ها هم حالا به این نظم وقاعدۀ خو گرفته اند. خیلی ها خوب می دانند که پیش از طلوع، تنها دکان بازراسته مصلی ۱۵، همین مغازه برادران صادقی است. فروشندگان سحرخیز شهر مسیرشان را پیدا کرده اند: مغازه دارانی که در نقاط مختلف مشهد میوه، تره بار یا مواد پروتئینی می فروشند. صبح خیلی زود، وقتی خیابان ها هنوز خلوت است و خبری از ترافیک نیست، اول به میدان بار می روند. خرید اول صبحشان را انجام می دهند و بعد راهی اینجای می شوند تا اجناس پروتئینی مغازه شان را تأمین کنند. همین نظم و حضور همیشگی باعث شده است مغازه برادران صادقی، مشتری های بیشتری نسبت به باقی کسبه این راسته داشته باشد. رضا بلبخند می گوید: همین امروز قبل از اینکه شما برسید، یکی از مشتری های ثابتمان که در وکیل آباد مغازه پروتئینی دارد، آمد خرید کرد و رفت.

● گفت و گو با مشتری ها

اکبر مقدم بلبخند وارد مغازه می شود. لحن گرم و شوخی ها و بگو و بخند های بین او و برادران صادقی نشان می دهد آشنایی شان قدیمی تر از آن است که فقط به خرید و فروش مربوط باشد. می گوید: من آن سر شهر مغازه دارم. ولی هر هفته یک بار این مسیر را می آیم تا جنس مغازه ام را از اینجا بخرم. بعد نگاهی به اطراف می اندازد و بلبخند اضافه می کند: برخورد رضا و جواد طوری است که آدم احساس غریبی نمی کند و راحت است. این حس و حالی است که خیلی از مشتری ها را، مانند اکبر آقا، از گوشه و کنار شهر به این کوچه کوچک می کشاند.

نیکو عقیده | چرت خیابان هنوز نپریده و خبری از تکاپو و شلوغی همیشگی کوچه مصلی ۱۵ نیست. در میانه کوچه، کنار کرکره های پایین کشیده شده، یک مغازه باز است؛ مغازه ای که به سحرخیزی کاسبانش معروف است.

صاحبش پشت دحل مشغول خوردن چای و صبحانه است و به تلویزیون بالای سرش خیره شده. انگار نه انگار که ساعت هنوز از صبح هم نگذشته است. او هم انگار از دیدن من این وقت صبح جلو در مغازه اش تعجب کرده است. تعریف او را از کسبه دیگر شنیده ام. اینکه کرکره مغازه برادران صادقی زودتر از همه مغازه های دیگر بالا می رود و همین موضوع این دکان را از دیگر مغازه های این راسته متمایز می کند.

شاگردی کنار پدر

رضا صادقی کلید دار مغازه است. هر روز صبح زودتر از برادرش به مغازه می آید. کرکره را بالای می دهد، مغازه را جارو می کشد، حساب و کتاب ها را انجام می دهد و تازه بعد از همه این ها بساط صبحانه اش را می چیند. او دلیل این سحرخیزی را سال ها کار کردن کنار پدرش می داند؛ اینکه او و برادرش سال ها و دست پدرش شاگردی کرده و راه و روش کاسبی را از او یاد گرفته اند. می گوید: پدرم سال ها پیش کنار پدر بزرگم کله پز بود و بعد هم خرما فروش میدان بار رضوی شد. سال ها مشغول بودن خاندان ما به شغل کله پزی باعث شده است سحرخیزی عادتشان شود. آن ها سال ۷۷ با سرمایه ای که کنار پدر جمع کرده بودند، مغازه پروتئینی خودشان را راهی کردند. مغازه شان کوچک و جمع و جور است، اما مرتب و تمیز. دو طرف مغازه قفسه گذاشته اند و اجناس را تا سقف چیده اند.

روزی سر صبح

با اینکه فضا شلوغ است، همه چیز سر جای خودش قرار دارد و نظم خاصی در این شلوغی پیدا است. نظمی که از قاعده و برنامه ریزی دقیق صاحبان مغازه می آید. برادران صادقی اینجا زودتر از همه، کرکره مغازه را بالا و دیرتر از همه پایین می دهند. حتی روزهای تعطیل پای کار هستند. رضا صادقی رمز موفقیتشان را در یک چیز می داند: سحرخیزی. جمله ای که از کودکی بارها از زبان پدر شنیده و آن را سر لوحه کارش قرار داده است: خدا روزی آدم ها را سر صبح پخش می کند! او بلبخند می زند و ادامه می دهد: یک ساعت که زودتر کارت را شروع کنی، انگار چند ساعت جلو افتاده ای. وقتی مشتری وارد مغازه می شود، تو کارت را انجام داده ای؛ اجناس را چیده ای. حساب و کتاب ها را انجام داده ای و حالا وقت فقط مال مشتری است.



اولین جلسه آموزش خبرنگاری محلی با حضور جمعی از نوجوانان در گلشهر برگزار شد

هر محله یک خبرنگار

۵

عیدگاه

می‌گوید: از سال‌های گذشته، شیفته عکاسی خبری بودم و حالا علاوه بر عکاسی دوست دارم مشکلات مردم را به گوش مسئولان برسانم. در این کلاس متوجه شدم که خبر از چه بخش‌هایی تشکیل شده است و چطور موضوع مهم آن مشخص می‌شود.

کوثر رستمی، نوجوان ساکن محدوده رسالت، نیز که چندی پیش در برنامه‌ای با حضور مادران و دختران شرکت کرده، برای اولین بار گزارش آن برنامه را برای مدرسه‌اش تهیه کرده است. بعدها در چند برنامه برای مدرسه هم مجریگری کرده و از این طریق متوجه شده که به حرفه خبرنگاری و مجریگری علاقه مند است. او حالا با شرکت در این کلاس‌ها بیشتر به خبر مکتوب علاقه مند شده است و می‌خواهد در آینده برای کانال‌های مجازی فعالیت کند.

و در بخش عملی هر کدام از بچه‌های یک خبر فرهنگی نوشتند. در این کلاس فن خبرنگاری و استفاده از نرم‌افزارهای کمکی به شرکت‌کنندگان آموزش داده شد که معطوف به تولید خبر برای فضای مجازی است. مثلاً یکی از شرکت‌کنندگان در زمینه استفاده از هلی‌شات و تصویربرداری هوایی و نوجوان دیگری در حوزه طراحی پوستر مهارت دارد. دیگر بچه‌ها هم در زمینه عکس‌نویسی یا تهیه استوری تخصص دارند. در ادامه این جلسه آموزشی قرار است نشست‌های هم در حوزه آموزش سواد رسانه با حضور استادان این حوزه برگزار شود.

● مشتاق خبرنگاری محلی

اکثر نوجوانان شرکت‌کننده، فراخوان این دوره را از طریق گروه و کانال هلال احمر گلشهر دریافت کرده‌اند. سیدمهدیار موسوی، نوجوان ساکن محله امیرالمؤمنین^(ع) یکی از شرکت‌کنندگان است. او می‌گوید: قبلاً هر موقع خبرها را می‌دیدم، شکل تنظیمشان برایم جذاب بود. علاقه مند شده بودم، ولی دوره آموزشی نگذرانده بودم تا اینکه متوجه برگزاری این کلاس شدم. سیدمهدیار به بخش مکتوب خبر علاقه بیشتری دارد و می‌خواهد در ادامه برای محله خودش خبرنگاری کند. محمد رضا ایوبی، ساکن محله شهید آوینی، هم

عطائی ۹ نوجوان مشتاق بعد از دیدن یک فراخوان به مسجد جامع الهادی^(ع) محله شهید آوینی آمدند. برای آموختن فنون خبرنگاری و خبرنگاری؛ جوانانی با چشمان کنج‌کاو و پر از پرسش که می‌خواهند از این به بعد، دستی در تولید خبر محلی داشته باشند. این اولین جلسه آموزشی خبرنگاری محلی برای نوجوانان دختر و پسر است که با هدف استفاده از ظرفیت این رده سنی از طرف فعالان فرهنگی برگزار می‌شود.

● پرورش ظرفیت خبرنگاری محلی

به دنبال این بودند که از ظرفیت نوجوانان محله بیشتر استفاده کنند و در هر مسجد و محدوده چندین خبرنگار پرورش دهند. با این ایده اولیه، امیرحسین برومندفر، رئیس شورای اجتماعی محله شهید آوینی و حمیدرضا ربانی، خبرنگار و مسئول کانال مجازی «گلشهر نیوز»، به فکر تشکیل کلاس آموزشی خبرنگاری افتادند. ربانی، مدرس این دوره، درباره ایده اولیه برگزاری این کلاس می‌گوید: مدت‌ها پیگیر این مسئله بودم که در محدوده گلشهر بتوانیم از ظرفیت جوانان برای خبرنگاری محلی استفاده کنیم. برای همین ابتدا با رئیس شورای اجتماعی محله شهید آوینی طرح «هر مسجد یک خبرنگار» را در سطح محله شهید آوینی برنامه‌ریزی کردیم. در ادامه، طرح دیگری به ذهنمان رسید که در هر محله گلشهر، یک یا چند خبرنگار داشته باشیم. ربانی درباره هدف برگزاری این دوره آموزشی می‌گوید: هدفمان این بود که خبرنگاران جوان، خبرهایی مناسب انتشار در کانال مجازی تولید کنند. این کلاس دو ساعته، دو بخش تئوری و عملی داشت. در بخش تئوری ارکان خبر و خبرنگاری تشریح شد



کودک نوازنده محله کنه بیست از قطعه‌های مورد علاقه‌اش می‌گوید

خانه خوش‌نوا مادر بزرگه

امید محله

فرهنگی هنری «فردا» نیز همین قطعه را اجرا کردم.

● از تجربه اجرای جشنواره بگو. برای اولین بار جلو جمع اجرا کرده‌ای؟

بله، اولین بار بود. جشنواره در سالن اجتماعات آموزش و پرورش ناحیه ۵ برگزار شد. طبیعی بود که استرس داشته باشم، اما قبل از جشنواره چندبار در کلاس برای هم‌کلاسی‌هایم فلوت زدم. آن‌ها خیلی تشویق کردند و همین باعث شد ترسم کمتر شود و با اعتماد به نفس بیشتری روی صحنه بروم.

● حمایت اطرافیان در این مسیر چقدر مؤثر بوده است؟

خیلی زیاد. خانواده‌ام از همان ابتدا کنارم بودند. به ویژه مادرم که من را در یک کلاس موسیقی خوب ثبت نام کرد تا زیر نظر استادان حرفه‌ای یاد بگیرم. در مدرسه هم معلم‌ها و دوستانم خیلی تشویق کردند. بعد از جشنواره همه تبریک گفتند و از اجرایم تعریف کردند.

● الان مشغول تمرین چه قطعه‌ای هستی؟

دارم روی قطعه «گل پامچال» تمرین می‌کنم. ملودی دل‌نشینی دارد و دوست دارم بتوانم آن را با احساس اجرا کنم.

● دوست داری در آینده چه سازی را یاد بگیری؟

خیلی دوست دارم پیانو هم یاد بگیرم. صدایش را خیلی دوست دارم و فکر می‌کنم ترکیب فلوت و پیانو خیلی زیبا می‌شود. امیدوارم بتوانم در آینده هر دو ساز را خوب بنوازم.

می‌خواهم بنوازم. گوش می‌دهم و بعد تمرین را شروع می‌کنم. به این کار عادت کرده‌ام و اگر یک روز تمرین نکنم، دلم برای فلوت زدن تنگ می‌شود.

● تا الان چند قطعه یاد گرفته‌ای؟

حدود بیست قطعه. بعضی از آن‌ها ساده‌تر بودند، بعضی سخت‌تر ولی تمرین همه‌شان برایم جذاب بوده و چیزهای زیادی از آن‌ها یاد گرفته‌ام.

● کدام قطعه برایت خاص‌تر است؟

«خونه مادر بزرگه» را خیلی دوست دارم، چون آهنگ شادی دارد، هم برایم پراز خاطره است. در جشنواره



نیکو عقیده | اسرار نامی، دانش آموز کلاس اول دبستان المهدی^(ع) ترجیح می‌دهد احساساتش را نه با کلمات، بلکه با صدای نرم و دل‌نشین سازی که می‌نوازد، بیان کند.

با اینکه سن زیادی ندارد و هنوز در ابتدای مسیر یادگیری است، در آن سال گذشته، توانست مقام اول تک‌نوازی فلوت را در جشنواره فرهنگی هنری «فردا» در سطح ناحیه به دست بیاورد.

● از چه زمانی متوجه شدی که به موسیقی علاقه‌مندی؟

از کودکی به گوش دادن آهنگ علاقه داشتم. وقتی برنامه‌هایی را می‌دیدم که بچه‌ها در آن سازی می‌زدند، به خصوص فلوت، خیلی لذت می‌بردم. همان موقع به مادرم گفتم که دوست دارم ساز بزنم.

● چطور فلوت‌نوازی را شروع کردی؟

در ابتدا با بلز تمرین می‌کردم تا دستم با ساز آشنا شود. اما بعد از مدتی به فلوت علاقه مند شدم و یادگیری‌اش را ادامه دادم. الان حدود یک سال است که به صورت جدی فلوت می‌زنم.

● تمرین‌های روزانه‌ات چقدر زمان می‌برند؟

تقریباً هر روز بعد از مدرسه تمرین می‌کنم؛ معمولاً نیم ساعت زمان می‌گذارد. اما بعضی روزها بیشتر هم می‌شود. تلفن همراه مادرم را برمی‌دارم. قطعه‌ای را که

ع



مهدی آباد، رضائیه، سجادیه، حسین آباد، مهرآباد، امیرالمؤمنین (ع)، نیزه، شهید آوینی، ثامن، کوی سلمان، جلالیه

محلات منطقه‌ها



چهنو، مصلی، کارمندان اول، کارمندان دوم، شهید آقامصطفی خمینی، شیرین، امیرآباد، شهید معقول، کشاورز، پورسینا، اروند، انصار، شهید باهنر، شهید اسکابادی، شهید شیرودی، شهید رستمی، کوی ۲۲ بهمن، کنه‌یست، شهید رجایی



پیش از شروع مراسم، بچه‌ها با شور و هیجان مشغول آماده کردن حیاط بودند. بعضی از دخترها صندلی‌ها را ردیف به ردیف کنار هم می‌چیدند و سعی می‌کردند فضا را برای حضور مهمان‌ها مرتب و منظم کنند. چند نفر دیگر هم پرچم عاشورایی را که روزهای قبل در کارگاه خوش‌نویسی مدرسه آماده کرده بودند، با دقت و ذوق وسط حیاط برپا کردند.



در آشپزخانه کوچک مدرسه، حال و هوای دیگری جریان داشت. باران سیدآبادی همراه چند نفر از دوستانش برای پخت شله زرد نذری دست به کار شده بودند. او نقش اصلی را در پخت این نذری داشت. از صبح زود به مدرسه آمده و با دقت و حوصله پای پخت شله زرد ایستاده بود.



دومین سال مراسم عاشورا در مدرسه «المهدی نوین» برگزاری شد

به میزبانی بچه‌های عاشورایی

نیکو عقیده | دبستان «المهدی نوین». امسال برای دومین سال پیاپی، مراسم محرمی را در حیاط مدرسه برگزار کرد: جایی که نه فقط خانواده‌های دانش‌آموزان، بلکه اهالی محله هم دعوت بودند تا کنار هم روایت‌های عاشورا را بشنوند و معنای صبر و ایستادگی را مرور کنند. اما تفاوتش با سال گذشته در این بود که بچه‌های مدرسه، خودشان، بخش مهمی از مراسم را بر عهده گرفتند. هر کدام در گوشه‌ای از برنامه، فعالانه حضور داشتند: از اجرای بخش‌های مختلف گرفته تا کمک در پذیرایی و نظم‌دهی مراسم. این برنامه، فرصتی برای نوجوانان بود که معنای کار گروهی، مسئولیت‌پذیری و همراهی در یک کار معنوی را از نزدیک لمس کنند و در دل یک فضای صمیمی، نقش‌آفرین باشند.



در حسینیه یادگیری المهدی نوین، بچه‌ها سعی کردند با نقاشی، تصویری از عاشورا روی کاغذ بیاورند. فاطمه لسانی، دانش‌آموز کلاس پنجم، یکی از همین بچه‌ها بود که روایت عاشورا را با داستان خودش به تصویر کشید و قصه‌ای از ایستادگی را روی کاغذ نشان داد.



بچه‌ها در حسینیه یادگیری المهدی نوین، مهربانی را تمرین کردند: این بار نه فقط با حرف، بلکه در عمل. یکتا رضایی، دانش‌آموز کلاس چهارم، نقش «سقا» را داشت؛ دختری که با دلسوزی و دقت، برای دوستانش آب می‌برد و تشنگی‌شان را برطرف می‌کرد.